

نگاه

وقتی فقر، زنان را به جاده‌های ناامن می‌فرستد

صفورا اصحافی

کارشناس مسائل فرهنگی و اجتماعی

مرگ معصومه رسولی، کارگر فصلی و مادر سه کودک، در تصادف کنار گذر سقز- بوکان، فقط یک حادثه رانندگی نیست؛ این مرگ را باید در متن بزرگ‌تری از فقر، اشتغال ناپایدار، کار فصلی، ناامنی شغلی و ضعف ایمنی حمل‌ونقل فهم کرد. سرشنیان خودروی حادثه‌دیده، کارگران فصلی بودند که هنگام بازگشت از محل کار دچار سانحه شدند. بنا بر اطلاعات منتشرشده، همسر معصومه نیز چند ماه پیش در یک حادثه رانندگی جان باخته بود. چند ماه پیش هم پدر آنان با حادثه مشابهی جانش را از دست داد. اکنون سه کودک با فقدانِ مواجه هستند که پیامدهای آن تنها عاطفی نیست و می‌تواند آینده اقتصادی و اجتماعی آنان را نیز تحت تأثیر قرار دهد. جامعه‌شناسان فقر را صرفاً کمبود درآمد نمی‌دانند؛ فقر می‌تواند به محدودشدن فرصت‌ها و انتخاب‌های انسان منجر شود. وقتی شغل پایدار در دسترس نباشد، کار فصلی و روزمزدی برای بسیاری از خانواده‌ها نه یک انتخاب، بلکه راهی برای بقاست. در چنین شرایطی، فرد برای به دست آوردن درآمد، ناچار به پذیرش ریسک‌هایی می‌شود که در شرایط عادی شاید هرگز انتخاب نمی‌کرد. این وضعیت درباره زنان اهمیت بیشتری دارد. محدودیت فرصت‌های شغلیِ رسمی، مسئولیت‌های خانوادگی و ضعف حمایت‌های اجتماعی، بخشی از زنان را به سمت مشاغل غیررسمی، فصلی و کم‌ثبات سوق می‌دهد؛ مشاغلی که معمولاً امنیت شغلی و حمایت‌های بیمه‌ای و رفاهی کمتری دارند. در منظر جامعه‌شناسختی، این همان جایی است که مفهوم محرومیت ساختاری اهمیت پیدا می‌کند؛ یعنی مسئله فقط تصمیم یا عملکرد یک فرد نیست، بلکه ساختار اقتصادی و اجتماعی، دامنه انتخاب‌های او را محدود کرده است. از سوی دیگر، نظریه بازتولید فقر توضیح می‌دهد که یک حادثه برای خانواده کم‌درآمد می‌تواند پیامدهایی بسیار فراتر از یک فقدان فردی داشته باشد. از دست رفتن نیروی کار خانواده، کاهش درآمد، افزایش هزینه‌های درمان و زندگی و آسیب به تحصیل کودکان، ممکن است فقر را از یک نسل به نسل دیگر منتقل کند. بنابراین، وقتی کارگر فصلی در مسیر بازگشت از کار جان می‌بازد، مسئله فقط وضعیت جاده یا خطای انسانی نیست؛ باید پرسید چرا کارگران برای تأمین معاش ناچار به طی چنین مسیرهایی هستند؟ حمل‌ونقل آنان تا چه اندازه ایمن است؟ و چه میزان حمایت اجتماعی برای خانواده‌های آسیب‌پذیر وجود دارد؟ ایمنی جاده نیز بخشی از همین زنجیره است. جاده ناایمن، وسیله نقلیه نامطمئن و نبود حمل‌ونقل مناسب کارگران، زمانی که با فقر و اشتغال ناپایدار ترکیب می‌شوند، آسیب‌پذیری اجتماعی را چند برابر می‌کنند. معصومه رسولی برای کار از خانه خارج شد و بازنگشت. سه کودک اکنون با فقدان مادر زندگی خواهند کرد؛ و اگر اطلاعات مربوط به فوت همسر او نیز درست باشد، این خانواده در فاصله‌ای کوتاه، دو ستون اصلی خود را از دست داده است. این مرگ نباید فقط در صفحه حوادث ثبت شود. پشت هر تصادف، علاوه بر خطای احتمالی یک راننده یا نقص یک جاده، گاهی مجموعه‌ای از نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی ایستاده است. اگر قرار است چنین حوادثی تکرار نشوند، سیاست‌گذاری باید از واکنش پس از حادثه عبور کند و هم‌زمان به اشتغال پایدار، امنیت شغلی زنان، حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد، حمل‌ونقل ایمن کارگران و اصلاح نقاط پرخطر جاده‌ای بپردازد. زیرا گاهی انسان‌ها در لحظه تصادف قربانی نمی‌شوند؛ قربانی زنجیره‌ای از فقر، ناامنی و محدودیت انتخاب‌هایی هستند که مدت‌ها پیش از حادثه آغاز شده است.

یادداشت

اخلاق گمشده امروز جامعه ما

ایسن تصویر، به گمان من، یکی از زیباترین تعریف‌های اخلاق است: بزرگواری یعنی اجازه ندهیم بدی دیگری، ما را از خوبیِ خودمان تهی کند. این نگاه در ادامه همان سخنی است که در قطعه‌ای منسوب به حافظ می‌خوانیم: «ببر تو خوانم ز دفتر اخلاق/ آیتی در وفا و در بخشش» و سپس از درخت و صدف برای توضیح وفا، حلم و بخشش بهره می‌گیرد. امروز جامعه ما بیش از هر زمان دیگری به چنین نگاهی نیازمند است؛ نه به این معنا که در برابر ظلم و بی‌عدالتی سکوت کنیم، بلکه به این معنا که پاسخ ما به رنج، لزوماً بازتولید رنج نباشد. می‌توان ایستاد، مطالبه کرد، نقد کرد، اما در عین حال اخلاق را از دست نداد. این همان نقطه‌ای است که حافظ را از یک شاعر بزرگ، به یک میراث زنده فرهنگی تبدیل می‌کند. میراث فقط بنا، شیء، نسخه خطی یا اثر تاریخی نیست؛ مجموعه‌ای از شیوه‌های دیدن جهان و زیستن با دیگری نیز هست. حافظ بخشی از میراث ناملموس ایرانی است؛ میراثی که در آن عشق، مدارا، جوانمردی، خرد، زیبایی و اخلاق در کنار یکدیگر معنا پیدا می‌کنند. به همین دلیل است که حافظ محدود به جغرافیای ایران نمانده است. پیام او وقتی از مرزهای زبان و سرزمین عبور می‌کند، مخاطب خود را در هر انسانی پیدا می‌کند که در جست‌وجوی آرامش، معنا و انسانیت است. جهان امروز با وجود همه پیشرفت‌های شگفت‌انگیزش، هنوز با مسئله‌ای قدیمی روبه‌روست؛ چگونه انسان بمانیم؟ شاید پاسخ حافظ ساده باشد: سایه‌فکن باشیم. اگر به ما سنگ زدند، تمام هنر ما این نباشد که سنگ را برگردانیم، هنر بزرگ‌تر این باشد که اجازه ندهیم سنگ، ما را از نردمان بازدارد. برای من این بیت فقط توصیه‌ای اخلاقی نیست؛ تصویری از یک فرهنگ است، فرهنگی که درخت را فقط به خاطر میوه‌اش نمی‌خواهد، بلکه سایه‌اش را نیز قدر می‌داند؛ فرهنگی که صدف را به خاطر گوهری که در دل خود می‌پرورد می‌شناسد و بزرگی انسان را در توان او برای بخشیدن و مدارا کردن می‌بیند. ۲۰ مهر، روز بزرگداشت حافظ، گرامی باد. به امید آنکه در سایه این میراث روشن، شعر را نه‌تنها بخوانیم، بلکه اخلاق و انسانیتی را که در آن نهفته است نیز در زندگی خویش به یاد آوریم.

زینب رحیمی: گروهی به دنبال جداکردن بیش از هزارو ۳۰۰ هکتار از پارک ملی بومو در استان فارس از پیکر این منطقه حساس و مهم محیط‌زیست‌اند و مصوباتش را از شورای عالی حفاظت محیط زیست هم گرفته‌اند. تمام این اتفاقات در شرایطی رخ می‌دهد که گروهی از اعضای شورا با این مصوبه مخالف‌اند. پارک ملی بومو با مساحتی نزدیک به ۴۹ هزار هکتار، به عنوان یکی از مهم‌ترین پارک‌های ملی ایران در استان فارس واقع است. این پارک که ناشی را از کوه بومو گرفته، زیستگاه گونه‌های جانوری و گیاهی متنوع است، اما این محدوده از زاگرس طی چند دهه گذشته به دلیل تصرفات غیرمجاز و ساخت‌وسازها و همچنین پروژه‌های عمرانی بزرگ‌مقیاس، آسیب فراوان دیده است اما این پایان ماجرا نیست.

سال ۱۴۰۳: حذف ۴۷۰ هکتار از پارک ملی بومو
براساس اسنادی که در اختیار خبرنگار «شرق» قرار گرفته، در سی‌وهشتمین جلسه شورای عالی حفاظت محیط زیست که در ۱۲ اردیبهشت سال ۱۴۰۳ برگزار شد، طبق بند ۷، مصوب شد: «محدوده‌ای به وسعت ۴۷۰ هکتار در مجاورت شهرک بوستان و در محدوده پارک ملی بومو در استان فارس حذف شود». در صورت جلسه سی‌وهشتمین جلسه شورای عالی حفاظت محیط زیست مربوط به سال ۱۴۰۳ چنین آمده: «موضوع حذف محدوده ۴۷۰ هکتاری از پارک ملی بومو، خارج از دستور کار جلسه مطرح شده و پس از استماع توضیحات مفصل استاندار و بحث و بررسی موضوع، با توجه به بازدیدهای انجام‌شده و ضرورت موضوع، مصوب شد: محدوده مذکور با همکاری استانداری فارس و سازمان حفاظت محیط زیست تعیین حدود شده و از پارک ملی حذف شود». جالب است بدانید این صورت‌جلسه و این مصوبه به امضای محمد مخبر سرپرست رئیس‌جمهوری، علی سلاچقه رئیس وقت سازمان حفاظت محیط زیست و دبیر شورای عالی حفاظت محیط زیست، احمد وحیدی وزیر وقت کشور، داوود منظور معاون رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه، عباس علی‌آبادی وزیر وقت صنعت، معدن و تجارت، محمدعلی نیکبخت وزیر وقت جهاد کشاورزی، مهرداد بذریاش رئیس‌جمهور پیش و شهرسازی، مهدی اسلام‌پناه رئیس وقت سازمان ملی استاندارد، بهرام عین‌اللهی وزیر وقت بهداشت و محمدحسن نامی رئیس وقت سازمان مدیریت بحران رسیده است.

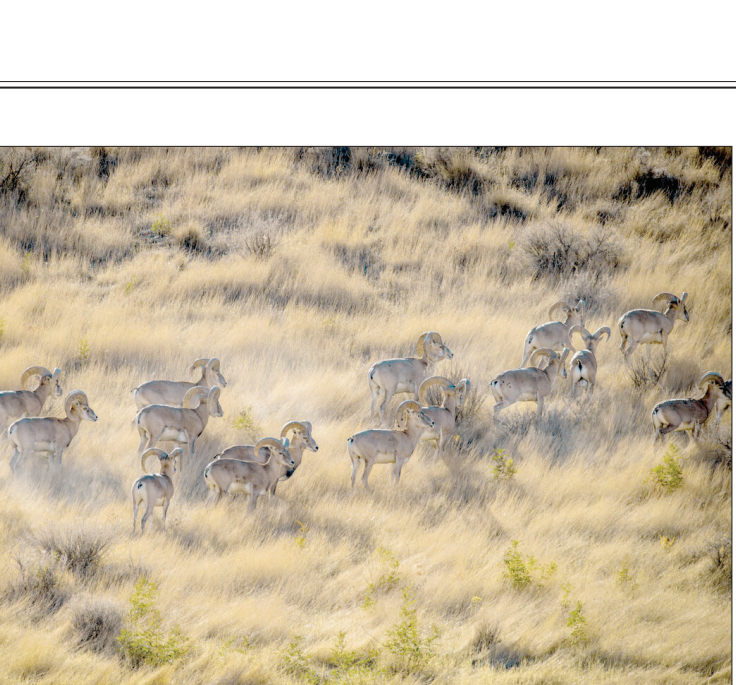
فقط یک نفر مخالفت کرد

نکته مهم این است که محمد زیدی، عضو شورای عالی حفاظت محیط زیست تنها فردی است که با این بد مخالفت کرده و در انتهای صورت‌جلسه و در زیر نام خود نوشته است: «با بند هفت موافق نیستم». تلاش خبرنگار «شرق» برای مصاحبه با این عضو سابق شورای عالی محیط زیست و استاد دانشگاه شهید بهشتی بدون نتیجه باقی ماند. نکته مهم دیگر این است که طبق صورت‌جلسه اردیبهشت سال ۱۴۰۳، در این جلسه نغمه میرقیعی، هادی سلیمان‌پور و مجید مخدوم، دیگر اعضای شورای عالی حفاظت محیط زیست، حضور نداشته‌اند و در کنار نامشان نوشته شده است: «عدم حضور».

آذر سال ۱۴۰۲: حذف ۸۷۱ هکتار از پارک ملی بومو

اما برای ردیابی ماجرای خروج عرصه‌هایی از پارک ملی بومو باید مصوبات شورای عالی حفاظت محیط زیست را در یک سال قبل‌تر هم بررسی کنیم، چون طی سی‌وهفتمین جلسه شورای عالی حفاظت محیط زیست که در تاریخ ۲۱ آذرماه ۱۴۰۲ برگزار شده، موضوع پارک ملی بومو در استان فارس نیز پیش کشیده شده و اعضا برای حذف ۸۷۱ هکتار از عرصه‌های پارک ملی بومو رأی موافق داده‌اند.

در سال ۱۴۰۲، در صورت‌جلسه سی‌وهفتمین نشست شورای عالی حفاظت محیط زیست آمده است: «اجرای پروژه انتقال برق به پالایشگاه شیراز از مسیر پارک ملی بومو در استان فارس، در مجاورت خط ۶۳ کیلولول انتقال برق و مطابق نقشه ارائه‌شده، مورد تصویب قرار گرفت». همچنین در این جلسه مصوب شده است: «بازنگری و اصلاح مرز پارک ملی بومو واقع در استان فارس، شامل حذف محدوده بوستان و گلستان، جمعا به مساحت ۸۷۱ هکتار و مطابق نقشه ارائه‌شده، مورد تصویب قرار گیرد».



عکس:عرفان سائلی/نیرا

گزارش «شرق» از مصوبات سؤال برانگیز برای خروج بیش از ۱۳۰۰ هکتار از یک پارک ملی در استان فارس

«بومو» در خطر تکه‌تکه شدن

بیمهی، سایر دستگاه‌های مطلع نیز با سوءاستفاده از این ابهام، درخواست‌هایی مطرح کرده و دست روی محدوده پارک ملی گذاشته‌اند.» این منبع آگاه در پاسخ به این پرسش که محدوده مورد نظر در کدام بخش پارک ملی بومو قرار دارد، می‌گوید: «روی بخش غربی و جنوب غربی پارک ملی بومو برای اضافه‌شدن به شهر دست گذاشته‌اند تا آن را از محدوده پارک ملی خارج کنند. اگر این محدوده آزاد شود، در واقع مسیر ورود به پارک بومو هموار خواهد شد و ممکن است به‌تدریج با ایجاد شکاف در محدوده پارک، زمینه برای نابودی کامل پارک ملی بومو فراهم شود؛ چه‌بسا در حال حاضر ویلاسازی‌هایی از سوی گروه‌های خاص انجام شده است».

ردیابی حذف پارک ملی بومو در بدنه سازمان

این منبع آگاه با انتقاد شدید از رویکرد سازمان حفاظت محیط زیست و با تأکید بر اینکه همه مدیران ارشد این سازمان از مصوبات خروج پارک ملی بومو اطلاع دارند اما کاری نمی‌کنند، می‌گوید: «موضع سازمان حفاظت محیط زیست در قبال این موضوع محدودیت بی‌تفاوتی است. بر ابهامات موجود افزوده است. از این رو، ورود دستگاه‌های نظارتی برای بررسی روند تصویب این بند و سایر بندهای مرتبط و همچنین بررسی احتمال وجود تعارض منافع و نقش افراد ذی‌نفوذ، ضروری به نظر می‌رسد». اشاره به این نکته ضروری است که با وجود تغییر رؤسای سازمان حفاظت محیط زیست، هم‌زمان با تغییر دولت‌ها، بدنه مدیران میانی و کارشناسان در سازمان حفاظت محیط زیست معمولاً دست‌نخورده باقی می‌ماند، بنابراین اساساً قرارگرفتن چنین بندهایی با هدف حذف بیش از هزارو ۳۰۰ هکتار از پارک ملی بومو در صورت جلسه شورای عالی حفاظت محیط زیست، بدون تأیید کارشناسی و مدیران میانی و معاونین وقت در سازمان محیط زیست تقریباً غیرممکن است. مدیران و معاونانی که برخی از آنها هم در دولت قبل و در دولت کنونی در سازمان حفاظت محیط زیست حضور داشته و صاحب‌نظر و تصمیم‌گیر بوده‌اند، بدون شک در چنین تصمیماتی را حتماً باید در سوابق کاری دفاتر تخصصی معاونت محیط زیست طبیعی از جمله دفتر زیستگاه‌ها و دفتر حیات وحش سازمان محیط زیست جست‌وجو کرد.

پارک ملی بومو در دستور کار بعدی شورای عالی محیط زیست

در ادامه گفت‌وگو با «نغمه میرقیعی»، عضو شورای عالی محیط زیست، در پاسخ به این پرسش که آیا راه نجات برای پارک ملی بومو از خطر حذف و فیجی شدن وجود دارد یا خیر، می‌گوید: «در جلسه بعدی شورای عالی محیط زیست موضوع را مطرح می‌کنم تا ببینیم چه کاری می‌توان انجام داد». او درباره زمان برگزاری جلسات آینده شورای عالی حفاظت محیط زیست تأکید می‌کند: «ما تاکنون دو جلسه شورای عالی محیط زیست را در دولت جدید داشتیم اما بعد از جنگ ۱۲ روزه تا امروز جلسه دیگری برگزار نشده است. دستور جلسه آتی شورای عالی حفاظت محیط زیست نیز به‌تدریج در حال تنظیم است و منتظر می‌رود حدود اواخر آبان ۱۴۰۵ حتما جلسه‌ای داشته باشیم».

میرقیعی با اشاره به برگزاری برخی جلسات در سازمان حفاظت محیط زیست به منظور آماده‌شدن دستور جلسه بعدی شورای عالی حفاظت محیط زیست توضیح می‌دهد: «جلسات کمیسیون‌های دائمی نیز در حال برگزاری است و موضوع حذف محدوده‌هایی از پارک ملی بومو در آنجا قابل طرح است. آن‌شاه‌الله در جلسه کمیسیون بعدی این مسئله را مطرح می‌کنم. نمی‌دانم در نهایت موضوع باید در صحن شورای عالی محیط زیست مطرح شود یا در همین مرحله کمیسیون‌ها و در سازمان محیط زیست تعیین تکلیف خواهد شد یا اینکه لازم است اعضای شورای عالی نامه‌ای بنویسند و برای جلوگیری از اجرای آن اقدام کنند». بدون شک مصوبات شورای عالی حفاظت محیط زیست به منظور خارج‌کردن محدوده‌هایی از مناطق حفاظت‌شده و پارک‌های ملی، کارکرد این شورا را زیر سؤال می‌برد و شورایی را که هدفش باید تقویت حفاظت از محیط زیست سرزمین باشد به جمعی برای حذف، واگذاری و جداسازی عرصه‌های ملی و حساس تبدیل می‌کند. در این صورت، شورای عالی حفاظت محیط زیست صرفاً نامی را یک می‌کشد که با تکالیفش مغایرت دارد.

مدرک فارغ التحصیلی اینجناب حامد زنجبران فرزند تقی با کدملی ۰۳۷۱۵۶۷۵۴۸ صادره از قم در مقطع کارشناسی رشته عمران صادره از واحد دانشگاهی آزاد قم با شماره ۴۵۷۱۳۷۴ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از پاینده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم به نشانی قم، بلوار الغدیر، ابتدای بلوار دانشگاه، مجتمع دانشگاهی صندوق پستی ۳۷۱۸۵-۳۶۴ ارسال نماید

برگ سبز سواری پژو ۲۰۷ مدل ۱۳۹۷ به رنگ مشکی متالیک به شماره شاسی NAAR03FE7JJ632218 و شماره موتور 179B0022396 شماره پلاک ایران ۲۱-۶۷۶ج۲۶ به نام **محسن میرزائی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

دانشنامه فارغ التحصیلی **اینجناب اگرم صفری فر** **جه قیائی** فرزند علی اصغر به شماره شناسنامه ۲۶۴۵۷، صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته علوم اجتماعی تعاون و رفاه اجتماعی صادره از واحد دانشگاهی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی مورخ سال ۱۳۸۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از پاینده خواهشمند است دانشنامه را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به آدرس: تهران، سوهانک ،بلوار ارتش.میدان قائم،خیابان خندان ،خیابان سلماس دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی ارسال نماید.

سند کمپانی خودرو پژو ۲۰۶ نقره ای متالیک مدل ۱۳۸۲ به شماره پلاک ۱۹ایران ۲۸ل۶۴۶ شماره شاسی ۸۲۶۳۴۸۷۳ و شماره موتور ۱۰FSJ۵۴۴۹۰۲۴۷ به نام **سمیرا محمدی** با کدملی ۳۳۳۰۲۰۲۸۳۱ در ۱۴۰۵/۰۷/۱۲مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز سواری میتسوبیشی مدل ۲۰۱۷ به رنگ خاکستری متالیک به شماره شاسی JMBXTGA2WHZOO1571 و شماره موتور 4B11TK5413 شماره پلاک ایران ۱۱_۵۴۲_۴۹ به نام **شرکت پترو صنعت جنوب** مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

برگ سبز و کارت شناسایی خودروی سواری سیستم پراید مدل ۱۳۸۵ به رنگ نقره ای متالیک به شماره پلاک ۱۲ق ۶۸۵ ایران ۹۴ شماره موتور ۱۴۴۴۷۳۲ شماره شاسی S1412285790364 به نام **آقای الیاس تقی زاده شول** مفقود گردیده اند و از درجه اعتبار ساقط می باشند.

سند کمپانی، خودرو پژو پارس سفید مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ۶۱۹۳۸۶ق۵۶ شماره شاسی NAAN2۱۷EAGH۹۶۲۰۹۲ و شماره موتور ۱۲۴K۰۹۶۶۸۹۰ به نام **رضا اسدی خانم** آبادی با کد ملی ۳۸۳۰۳۰۸۵۴۱ در ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

شماره: ۱۴۰۵۰۶۰۷۰ تاریخ: ۱۴۰۵۰۶۰۲۰۲۶-۱۴۰۵۰۶۰۲۰۲۶-۱۴۰۵۰۵۰۵۰۵ مورخ ۱۴۰۵۰۵۰۵ هیات سوم مرتضی موسوی خویلهانی به شناسنامه شماره ۴ کدملی ۱۲۹۱۶۴۸۰۴ صادره فرزند سیدمناشالله مینبی بر صدور سند مالکیت نسبت به شناساندن یک باب ساختمان به مساحت ۳۲۲۷۲ متر مربع از پلاک شماره ۱۵۱۷۷۱۷ واقع در بخشی ۵ شماره ۱۰۸ امارک شمال اسفهان مورد درخواست به موجب سند ۶۲۱۱۱۲ مورخ ۹۱/۳/۲۴ و ۷۶۹۹۹ مورخ ۹۲/۸/۲۴ دفتر ۱۰۸ اسفهان به متقاضی انتقال قطعی گردیده و به نامش جریان ثبت میباشد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراضی خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدینهی است در صورت نقصانی مدت مذکور و عدم وصول اعتراضی طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵۰۷۰۵۰۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵۰۷۰۷۲۰۰ شناسه آگهی: ۲۲۸۵۵۵۹ مرتضیه یعقوبی – قائم مقام رئیس واحد ثبتی ۴۷۲۱

برگ سبز و سند کمپانی موتور سیکلت شهاب مشکی مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ۱۴۵ایران ۸۴۶۷۵ و شماره تنه ۱۲۵D۹۵۱۹۹۶۵ شماره شاسی N3NAMZKHEMMJ۱۵۷۷۳ و شماره موتور ۱۵۱۷۰۴NE۱۲۴۶ به نام **محسن صفری فرخ**د با کد ملی ۰۴۹۰۲۲۵۴۳۸ در ۱۴۰۵/۰۴/۰۳ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی موتور سیکلت شهاب مشکی مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ۱۴۵ایران ۸۴۶۷۵ و شماره تنه ۱۲۵D۹۵۱۹۹۶۵ شماره شاسی NE۱***۱۲۵D۹۵۱۵۱۷۰۴NE۱۲۴۶ و شماره موتور ۱۵۱۷۰۴NE۱۲۴۶ به نام **محسن جیدی پور** با کد ملی ۰۴۹۰۲۲۵۴۳۸ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

(آگهی فقدان مدرک تحصیلی)
مدرک تحصیلی اینجناب **عرفان گوهرزی** فرزند جواد به شماره شناسنامه ۵۵۶۰۵۷۵۵۵۰ صادره ازاسلامشهر در مقطع دکتری عمومی در رشته پزشکی صادره از واحد دانشگاهی علوم پزشکی ایران به شماره ۹۷۱۱۲۶۲۴۲ مفقود گردیده وفاقداعتبار می باشد. از پاینده تقاضا میشودا مدرک را به دانشگاه علوم پزشکی ایران به نشانی جنب اتوبان همت روبه روی شهرک گرم یا کد پستی _ارسال نماید.